

<http://doi.org/10.30510/pscii.2025.533256.1311>

A Critical Analysis of Pronatalist Policies in Iran and Their Impact on Women's Rights and Lifestyles

Zohre Kohsari¹

Received: 24 April 2025

Reception: 9 August 2024

Abstract:

In recent years, the declining fertility rate in Iran has prompted the development and implementation of various pronatalist policies aimed at population growth. While these policies are perceived at the macro level as a response to demographic changes, they have significant implications at the micro level—particularly concerning women's individual and social rights, lifestyles, employment, education, and reproductive choices. This study adopts a descriptive-analytical approach and employs document analysis to critically examine Iran's fertility policies and their effects on the legal and social status of women. The theoretical framework is based on gender justice theory and the right to bodily autonomy and reproduction. Through comparative analysis of selected countries such as France, Germany, Japan, and Hungary, the study highlights that the most effective demographic models are those that integrate economic and cultural strategies with robust gender-equal support mechanisms. The findings indicate that Iran's population policies largely lack a comprehensive gender-sensitive approach and, in the absence of adequate supportive infrastructure—such as parental leave, childcare services, job security, and reproductive health education—may exacerbate structural inequalities and undermine women's reproductive rights. The study concludes by proposing a set of policy recommendations to align demographic goals with human rights and gender equality through the empowerment of women.

Keywords: Pronatalist policies; Fertility; Women's rights; Lifestyle; Gender justice; Iran; Comparative analysis.

¹PhD in Political Science from Allameh Tabatabaei University

<http://doi.org/10.30510/pssci.2025.533256.1311>

تحلیل انتقادی سیاست های فرزندآوری در ایران و تاثیر آن بر حقوق و سبک زندگی زنان

زهره کوهساری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

چکیده:

در سال‌های اخیر، روند کاهش نرخ باروری در ایران موجب شکل‌گیری و اجرای سیاست‌های مختلف تشویقی در راستای افزایش جمعیت شده است. این سیاست‌ها، هرچند در سطح کلان به مثابه واکنشی به تحولات جمعیتی تلقی می‌شوند، اما در سطح خرد، پیامدهای قلیل‌توجهی بر حقوق فردی و اجتماعی زنان، به‌ویژه در حوزه سبک زندگی، اشتغال، تحصیل و انتخاب‌های باروری داشته‌اند. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از روش تحلیل اسنادی، به بررسی انتقادی سیاست‌های فرزندآوری در ایران پرداخته و تأثیر آن‌ها را بر وضعیت اجتماعی و حقوقی زنان مورد واکاوی قرار می‌دهد. چارچوب نظری پژوهش بر مبنای نظریه عدالت جنسیتی و رهیافت حق بر بدن و بازتولید شکل گرفته و در قالب مقایسه تطبیقی با تجارب کشورهای همچون فرانسه، آلمان، ژاپن و مجارستان، نشان داده شده است که موفق‌ترین الگوهای جمعیتی، بر مبنای راهبردهای ترکیبی و توازن میان حمایت‌های اقتصادی، فرهنگی و تقویت حقوق برابر زنان طراحی شده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که سیاست‌های جمعیتی در ایران، عمدتاً فاقد رویکرد جامع‌نگر به عدالت جنسیتی و حق انتخاب زنان هستند و در غیاب تقویت زیرساخت‌های حمایتی (مانند مرخصی زایمان، مراقبت از کودک، امنیت شغلی و آموزش جنسی و باروری)، می‌توانند به محدودسازی حقوق تولیدمثلی و نابرابری‌های ساختاری دامن زنند. این پژوهش در پایان با ارائه پیشنهادهایی برای اصلاح سیاست‌های جمعیتی با محوریت توانمندسازی زنان، بر لزوم تلفیق اهداف کلان جمعیتی با اصول حقوق انسانی و جنسیتی تأکید می‌ورزد.

کلمات کلیدی: سیاست های جمعیتی ، فرزندآوری، سبک زندگی، حقوق زنان، عدالت جنسیتی.

^۱دانشیار حقوق دانشگاه گیلان

مقدمه :

مسأله جمعیت و سیاست‌های تنظیم یا افزایش آن، یکی از مهم‌ترین موضوعات حکمرانی در قرن بیست و یکم به شمار می‌رود. در ایران، تحولات جمعیتی پس از انقلاب اسلامی همواره تابعی از رویکردهای کلان فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی بوده است. در دهه‌های اخیر، با کاهش نرخ باروری به زیر سطح جانشینی، نگرانی‌هایی در سطح نهادهای سیاست‌گذار درباره "پیری جمعیت" و "کاهش نیروی کار جوان" شکل گرفته که به تدوین سیاست‌های تشویقی و گاه الزام‌آور در حوزه فرزندآوری منجر شده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲؛ Abbasi-Shavazi et al., 2009).

در پاسخ به این تحولات، تصویب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در سال ۱۴۰۰، نقطه عطفی در مداخله مستقیم دولت در حوزه فرزندآوری محسوب می‌شود. این قانون و دیگر سیاست‌های مرتبط با آن، بر محور بازتعریف نقش زن در خانواده تمرکز دارند و تلاش دارند با حمایت‌های مالی، شغلی، و فرهنگی، زمینه فرزندآوری بیشتر را در جامعه، به‌ویژه از سوی زنان، فراهم سازند (شورای نگهبان، ۱۴۰۰). با این حال، این سیاست‌ها با واکنش‌های مختلفی از سوی جامعه مدنی، فعالان حقوق زنان، و نهادهای بین‌المللی مواجه شده‌اند؛ چراکه در برخی موارد، آن‌ها را محدودکننده آزادی‌های فردی زنان، ناقض عدالت جنسیتی، و تحمیل‌گر نقش‌های سنتی مادری می‌دانند (Tohidi, 2016; Moghadam, 2004).

از منظر حقوقی، چالش‌هایی نظیر محدودیت در دسترسی به خدمات بهداشت باروری، اعمال تبعیض در اشتغال و تحصیل، و بازتولید کلیشه‌های جنسیتی در سیاست‌های رسمی، از جمله پیامدهای نگران‌کننده این رویکردهای جدید به شمار می‌روند (UNFPA, 2022). در این میان، زنان شاغل، تحصیل‌کرده، یا دارای سبک زندگی مدرن، بیش از دیگران تحت فشار دوگانه «مادری و نقش‌های اجتماعی» قرار گرفته‌اند و ناچارند میان اشتغال، تحصیل، و تربیت فرزند، یکی را انتخاب یا از برخی حقوق بنیادین خود چشم‌پوشی کنند (Azizi & Sadeghi, 2023).

افزون بر این، تحلیل گفتمان رسمی درباره جمعیت نشان می‌دهد که نهادهای حکومتی با بهره‌گیری از مفاهیم دینی و سنتی، در پی نهادینه‌سازی تصویری

آرمانی از "زنِ مادر" هستند که در خدمت "امنیت ملی جمعیتی" قرار دارد. چنین بازنمایی‌ای، نقش‌های چندگانه زنان در جامعه مدرن را نادیده می‌گیرد و با اصول برابری جنسیتی مندرج در اسناد بالادستی کشور و اسناد بین‌المللی، همچون سند ۲۰۳۰ (هرچند تعلیق‌شده)، در تعارض قرار می‌گیرد (Aghajanian & Mehryar, 2018).

در این مقاله، تلاش می‌شود با رویکردی تحلیلی و انتقادی، ابعاد مختلف سیاست‌های فرزندآوری در ایران مورد واکاوی قرار گیرد و تأثیر آن‌ها بر حقوق زنان و سبک زندگی آن‌ها بررسی شود. این پژوهش می‌کوشد از منظر بین‌رشته‌ای با بهره‌گیری از چارچوب‌های حقوقی، جامعه‌شناختی و گفتمانی به ارزیابی میزان کارآمدی، عدالت‌محوری، و پایداری این سیاست‌ها بپردازد و به این پرسش کلیدی پاسخ دهد که آیا سیاست‌های جمعیتی جدید توانسته‌اند با رعایت اصول حقوق بشر و عدالت جنسیتی، اهداف مورد نظر نظام را بدون نقض حقوق و سبک زندگی زنان، تحقق بخشند یا خیر.

چارچوب نظری و مفهومی:

۱) مفهوم سیاست‌های فرزندآوری:

سیاست‌های فرزندآوری به مجموعه‌ای از اقدامات قانونی، اجرایی و فرهنگی اطلاق می‌شود که با هدف تأثیرگذاری بر رفتارهای تولیدمثل افراد در سطح جامعه طراحی می‌شوند. این سیاست‌ها می‌توانند بازدارنده (در جهت کنترل جمعیت) یا تشویقی (در جهت افزایش زاد و ولد) باشند و در سه سطح اقتصادی، فرهنگی و حقوقی اعمال می‌گردند (Gauthier, 2007).

در ایران، تغییر رویکرد از کنترل جمعیت در دهه ۱۳۷۰ به افزایش جمعیت از دهه ۱۳۹۰، نشان‌دهنده گذار گفتمانی و سیاستی قابل توجهی است. (Abbasi-Shavazi et al., 2009)

۲) سبک زندگی زنان در جامعه مدرن:

سبک زندگی زنان، مجموعه‌ای از انتخاب‌ها، ارزش‌ها، رفتارها و نگرش‌هایی است که زنان در شرایط اجتماعی و فرهنگی مشخص اتخاذ می‌کنند و این سبک زندگی تحت تأثیر متغیرهایی چون تحصیلات، اشتغال، ارزش‌های جنسیتی و هنجارهای فرهنگی شکل می‌گیرد

(Bourdieu, 1984) سیاست‌های جمعیتی می‌توانند بر این سبک زندگی تأثیرگذار باشند، به‌ویژه زمانی که نقش‌های جنسیتی سنتی (همچون مادری خانه‌نشین) بر زنان تحمیل شود و گزینه‌های آزادانه آنان در انتخاب نوع زندگی محدود گردد. (Sadeghi, 2022)

۳) نظریه فمینیسم و نقد قدرت جنسیتی:

در تحلیل انتقادی سیاست‌های فرزندآوری، نظریه فمینیستی به‌ویژه فمینیسم رادیکال و فمینیسم اسلامی، نقش کلیدی دارد. این نظریه‌ها نشان می‌دهند چگونه بدن زن، باروری و نقش مادری در خدمت اهداف ساختارهای قدرت مردسالارانه یا دولت‌محور قرار می‌گیرد (Rich, 2005; Mahmoud, 1976). از منظر فمینیستی، بازتولید کلیشه‌های سنتی درباره زن، همچون «زن خوب، زن مادر»، می‌تواند ابزاری برای انقیاد و کنترل اجتماعی باشد. (Firestone, 1970).

۴) تحلیل گفتمان انتقادی (CDA)

چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، به‌ویژه در خوانش نورمن فرکلاف، ابزار مهمی برای بررسی نحوه بازنمایی زنان، مادری و جمعیت در متون حقوقی، رسانه‌ای و سیاست‌گذاری است CDA. کمک می‌کند نشان دهیم چگونه زبان، ایدئولوژی‌های مسلط را بازتولید می‌کند و به ابزاری برای تثبیت نابرابری‌های جنسیتی بدل می‌شود. (Fairclough, 1995)

در سیاست‌های جمعیتی ایران، می‌توان بازنمایی غالب از «زن مطلوب» را با این ابزار تحلیل کرد و پیامدهای گفتمانی آن را سنجید.

۵) نظریه عدالت جنسیتی

عدالت جنسیتی مفهومی فراگیر است که بر فرصت‌های برابر، عدم تبعیض، و آزادی انتخاب برای زنان و مردان تأکید دارد. در سیاست‌های فرزندآوری، زمانی که حمایت از مادری به معنای تضعیف دیگر حقوق زنان (مانند اشتغال، تحصیل، یا مشارکت اجتماعی) باشد، با عدالت جنسیتی در تعارض قرار می‌گیرد (Sen, 1992; Kabeer, 2005)

از این منظر، ارزیابی سیاست‌های جدید ایران مستلزم بررسی نسبت آن‌ها با اصول عدالت اجتماعی و جنسیتی است.

جمع‌بندی چارچوب:

در این مقاله، با تلفیق نظریه‌های فمینیستی، تحلیل گفتمان انتقادی، و دیدگاه‌های جامعه‌شناسی سبک زندگی، تلاش می‌شود تصویری همه‌جانبه از تأثیر سیاست‌های فرزندآوری بر زنان ایرانی ترسیم شود. این چارچوب نظری امکان تحلیل در سه سطح را فراهم می‌سازد.

۱. سطح حقوقی-سیاستی: ارزیابی تناسب سیاست‌ها با حقوق

زنان

۲. سطح فرهنگی-گفتمانی: واکاوی بازنمایی‌ها و گفتمان‌های

غالب درباره زنان

۳. سطح اجتماعی-زیستی: بررسی تأثیر این سیاست‌ها بر سبک

زندگی و تصمیمات زیستی زنان.

روش تحقیق:

۱. نوع تحقیق

این پژوهش از نوع کیفی با رویکرد تحلیلی-انتقادی است. هدف، بررسی محتوای سیاست‌های فرزندآوری در ایران و تحلیل تأثیر آن‌ها بر حقوق و سبک زندگی زنان با تأکید بر گفتمان‌های مسلط، ساختارهای قدرت و مفاهیم عدالت جنسیتی است. پژوهش حاضر تلاش دارد به‌جای سنجش آماری، به تحلیل معنایی و تفسیری متون و اسناد سیاستی بپردازد و لایه‌های پنهان قدرت و ایدئولوژی را آشکار سازد.

۲. روش گردآوری داده‌ها

گردآوری داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی صورت می‌گیرد و شامل منابع زیر است:

- اسناد بالادستی و قوانین رسمی جمهوری اسلامی ایران در حوزه جمعیت و خانواده (از جمله قانون حمایت از خانواده، سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، طرح جوانی جمعیت و تعالی خانواده، برنامه ششم توسعه و...)

- متون رسانه‌ای، سخنان مسئولان، و بیانیه‌های رسمی نهادهای فرهنگی-سیاسی
- مطالعات دانشگاهی و پژوهش‌های پیشین مرتبط (داخلی و خارجی)
- متون نظری در حوزه فمینیسم، جامعه‌شناسی خانواده، و عدالت جنسیتی

۳. روش تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) با الهام از چارچوب نورمن فرکلاف (Fairclough, 1995) استفاده شده است. این تحلیل در سه سطح زیر انجام می‌پذیرد:

تحلیل زبانی/متنی: شناسایی واژگان کلیدی، مفاهیم تکرارشونده، استعاره‌ها و ساختارهای نحوی که در متون سیاسی به کار رفته‌اند.

تحلیل گفتمان: بررسی نحوه بازنمایی زنان، مادری، بدن زن، خانواده، و فرزندآوری در گفتمان‌های رسمی و میزان انطباق آن با اصول عدالت جنسیتی.

تحلیل اجتماعی-گفتمانی: بررسی زمینه‌های اجتماعی، ایدئولوژیک و فرهنگی که این سیاست‌ها را تولید و بازتولید می‌کنند.

۴. واحد تحلیل؛ واحد تحلیل در این پژوهش، متن و محتوای سیاست‌های فرزندآوری و نحوه تأثیر آن‌ها بر حقوق زنان در سه حوزه کلیدی است

- حق بر بدن و باروری؛
- حق انتخاب سبک زندگی؛
- حق مشارکت اجتماعی و اقتصادی.

همچنین، تجزیه و تحلیل پیامدهای غیرمستقیم این سیاست‌ها بر هویت جنسیتی و نقش‌های اجتماعی زنان، یکی از محورهای مکمل این تحلیل است.

۵. معیارهای اعتبار و روایی

برای تقویت اعتبار و روایی پژوهش، از روش‌های زیر استفاده شده است :

مقایسه تطبیقی داده‌ها از منابع مختلف (قوانین، بیانیه‌ها، پژوهش‌ها) برای تثبیت یافته‌ها (Triangulation)

بهره‌گیری از منابع علمی معتبر داخلی و بین‌المللی برای تحلیل نظری و تفسیری رعایت انسجام در تحلیل درون‌متنی و بینامتنی برای تأیید اعتبار تحلیل گفتمانی.

اهداف پژوهش :

✓ هدف اصلی :

تحلیل انتقادی سیاست‌های فرزندآوری در ایران و بررسی تأثیر این سیاست‌ها بر حقوق بنیادین و سبک زندگی زنان در چارچوب عدالت جنسیتی

✓ اهداف فرعی:

۱. شناسایی ابعاد گفتمان مسلط در سیاست‌های فرزندآوری جمهوری اسلامی ایران و تحلیل نحوه بازنمایی زنان و مادری در این گفتمان‌ها
۲. بررسی نسبت سیاست‌های فرزندآوری با حقوق انسانی و اجتماعی زنان، به‌ویژه در زمینه‌های حق بر بدن، حق انتخاب سبک زندگی، و حق مشارکت در عرصه‌های عمومی
۳. تحلیل پیامدهای فرهنگی و اجتماعی این سیاست‌ها بر سبک زندگی زنان ایرانی، با تأکید بر نقش‌های جنسیتی و هویت زنان
۴. واکاوی تضاد یا هم‌راستایی سیاست‌های فرزندآوری با اصول عدالت جنسیتی و حقوق برابر در اسناد بین‌المللی و قانون اساسی ایران
۵. بررسی زمینه‌های ایدئولوژیک و ساختاری که سیاست‌های جمعیتی و فرزندآوری را شکل داده‌اند، با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان انتقادی.

پرسش‌های پژوهش:

✓ پرسش اصلی:

سیاست‌های فرزندآوری در ایران چگونه بر حقوق و سبک زندگی زنان تأثیر می‌گذارند و این سیاست‌ها در چه چارچوب گفتمانی و ایدئولوژیکی بازتولید می‌شوند؟

✓ پرسش‌های فرعی:

۱. گفتمان مسلط در سیاست‌های فرزندآوری ایران چه تصویری از زن، مادری و خانواده ارائه می‌دهد؟
۲. این سیاست‌ها با کدام حقوق بنیادین زنان (همچون حق بر بدن، حق انتخاب، حق اشتغال و مشارکت اجتماعی) در تعارض یا تطابق قرار می‌گیرند؟
۳. سیاست‌های جمعیتی جدید چه تأثیراتی بر سبک زندگی زنان ایرانی، به‌ویژه در حوزه‌های اشتغال، تحصیل و هویت فردی و اجتماعی دارند؟
۴. در این سیاست‌ها، عدالت جنسیتی چگونه تعریف یا نادیده گرفته شده است؟
۵. چه ساختارها و ایدئولوژی‌هایی (دینی، سیاسی، فرهنگی) در شکل‌گیری سیاست‌های فرزندآوری نقش دارند و چگونه در متون سیاست‌گذاری بازتاب یافته‌اند؟

پیشینه پژوهش:

(۱) مطالعات داخلی:

در دهه اخیر، هم‌زمان با تغییر سیاست‌های جمعیتی در ایران، پژوهش‌های متعددی در زمینه اثرات این سیاست‌ها بر زنان، خانواده و جامعه انجام شده است. برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط عبارت‌اند از:

- رستگار، فاطمه (۱۳۹۹). «تحلیل گفتمان سیاست‌های جمعیتی ایران از منظر جنسیت». فصلنامه مطالعات زنان در فرهنگ و جامعه، ۱۸(۲): ۶۷-۴۵. این مقاله با استفاده از تحلیل گفتمان نشان می‌دهد که

- سیاست‌های جمعیتی اخیر، نقش‌های سنتی زنان را تقویت کرده و زنان را عمدتاً در مقام مادر و همسر بازنمایی می‌کنند .
- بهادری، الهام و همکاران (۱۴۰۰). «سیاست‌های افزایش جمعیت و پیامدهای اجتماعی آن بر اشتغال زنان». فصلنامه رفاه اجتماعی، ۲۱(۴): ۱۰۵-۱۳۲. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که تمرکز بر خانه‌نشینی زنان برای فرزندآوری، به تضعیف مشارکت اجتماعی و اقتصادی آنان منجر می‌شود .
 - علوی، مریم (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی سیاست‌های جمعیتی ایران با اسناد بین‌المللی حقوق زنان». مجله حقوق زن و خانواده، ۵(۱): ۷۵-۹۲. نویسنده معتقد است بسیاری از سیاست‌های جمعیتی ایران با مفاد کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (CEDAW) ناسازگار است .
 - نوربخش، سمیه (۱۴۰۱). «تأثیر سیاست‌های افزایش جمعیت بر سبک زندگی زنان طبقه متوسط شهری». پژوهشنامه جامعه‌شناسی زنان، ۱۲(۳): ۸۸-۱۱۲. این پژوهش به صورت میدانی تأثیر این سیاست‌ها را بر نگرش‌ها و رفتارهای زنان در تهران بررسی کرده و نشان داده است که فشارهای جمعیتی با ارزش‌های فردگرایانه و حرفه‌ای زنان در تعارض است
 - باقری، زهرا (۱۴۰۲). «مادری، بدن و جمعیت: واکاوی ابعاد بدن‌مندی سیاست‌های فرزندآوری». فصلنامه زن و فرهنگ، ۱۰(۲): ۳۳-۵۸. مقاله به تحلیل فمینیستی بازنمایی بدن زن در گفتمان فرزندآوری پرداخته و نشان می‌دهد که بدن زنان در این سیاست‌ها به ابزار تولید جمعیت فروکاسته شده است

۲) مطالعات خارجی:

در سطح بین‌المللی نیز مطالعات متعددی به بررسی پیامدهای سیاست‌های جمعیتی بر حقوق زنان و سبک زندگی آنان پرداخته‌اند:

- McDonald, P. (2000). "Gender Equity, Social Institutions and the Future of Fertility." *Journal of Population Research*, 17(1): 1-16.

مک‌دونالد بر این باور است که کاهش فرزندآوری در جوامع مدرن نه صرفاً به دلایل اقتصادی، بلکه به دلیل نابرابری جنسیتی در حوزه‌های خانوادگی و اجتماعی است

- Aghajanian, A., & Mehryar, A. H. (2009). "Fertility Transition in the Islamic Republic of Iran: 1976–2006." *Asian Population Studies*, 5(1): 19–38.

این مطالعه تاریخی به تحلیل روند کاهش نرخ باروری در ایران پرداخته و سیاست‌های تشویقی را ناکافی می‌داند مگر آنکه با عدالت جنسیتی همراه شوند.

- Bongaarts, J. (2017). "The Effect of Fertility Decline on Population Growth." *Population and Development Review*, 43(3): 409–428.

مقاله تأکید می‌کند که سیاست‌های افزایش باروری باید با درک عمیق‌تری از ترجیحات زنان، به‌ویژه در جوامع شهری و تحصیل‌کرده، طراحی شوند

- Ray, R., Gornick, J. C., & Schmitt, J. (2010). "Who cares? Assessing Generosity and Gender Equality in Parental Leave Policies in 21 Countries." *Journal of European Social Policy*, 20(3): 196–216.

این پژوهش تأکید دارد که موفق‌ترین سیاست‌های جمعیتی، آن‌هایی هستند که هم‌زمان با حمایت از فرزندآوری، مشارکت اجتماعی و اشتغال زنان را تقویت .

- UN Women (2021). *Women and Population Policies: Balancing Rights and Responsibilities*.

این گزارش هشدار می‌دهد که سیاست‌های جمعیتی در برخی کشورها منجر به نقض حقوق تولیدمثلی زنان، محدودیت‌های شغلی و تشدید نقش‌های سنتی جنسیتی شده است.

جمع‌بندی پیشینه :

مرور مطالعات نشان می‌دهد که اگرچه در ایران تلاش‌هایی برای تحلیل سیاست‌های جمعیتی صورت گرفته، اما اغلب پژوهش‌ها به یکی از ابعاد اجتماعی یا قانونی بسنده کرده‌اند و کمتر از رویکردی تحلیلی-انتقادی چندسطحی بهره گرفته‌اند. این پژوهش با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی و با تأکید بر مفاهیم عدالت جنسیتی، تلاش دارد شکاف‌های موجود را پوشش دهد و نگاهی جامع‌تر و ریشه‌ای‌تر به موضوع داشته باشد.

بخش اول: گفتمان‌سازی در سیاست‌های فرزندآوری ایران

۱،۱ سیاست‌های جمعیتی به‌مثابه گفتمان هژمونیک

از منظر تحلیل گفتمان انتقادی (Critical Discourse Analysis)، سیاست‌های جمعیتی صرفاً مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های اجرایی نیستند، بلکه تجلی‌گاه یک گفتمان هژمونیک هستند که معنا، نقش و هویت زنان را در جامعه بازتعریف می‌کند. (Fairclough, 1995)

در گفتمان سیاست‌های جدید جمعیتی جمهوری اسلامی ایران، زن ایده‌آل، زنی است که در خدمت تولیدمثل و تثبیت ساختار سنتی خانواده قرار دارد؛ زنی که نقش مادری‌اش مقدم بر سایر هویت‌های اجتماعی، اقتصادی یا فردی اوست.

در سند «سیاست‌های کلی جمعیت» (۱۳۹۳) که از سوی رهبری نظام ابلاغ شد، افزایش جمعیت به‌عنوان یک ضرورت حیاتی و امنیتی معرفی شده و از نهادهای حاکمیتی خواسته شده است تا با «فرهنگ‌سازی مناسب» زنان را به فرزندآوری بیشتر ترغیب کنند. در همین راستا، در تبصره‌های متعدد قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» (۱۴۰۰)، ابزارهای تشویقی مانند تسهیلات مالی، امتیاز در استخدام، و حتی الگوهای رسلنه‌ای به‌کار رفته‌اند تا بدن زن را در گفتمان سیاست‌گذاری، به «ابزار ملی بارورسازی» بازتعریف کنند (باقری، ۱۴۰۲؛ نوربخش، ۱۴۰۱)

۱،۲ حذف مفاهیم مدرن جنسیتی: نادیده گرفتن حق انتخاب، رضایت، و فردیت زنانه

در اغلب متون سیاست‌گذاری رسمی، هیچ اشاره‌ای به مفاهیم کلیدی در گفتمان‌های فمینیستی و حقوق بشری همچون «حق انتخاب در تعداد فرزندان»، «کنترل بدن»، یا «برابری جنسیتی در تصمیم‌گیری تولیدمثلی» دیده نمی‌شود. در مقابل، گفتمانی شکل گرفته که «ازدواج زودهنگام»، «فرزندآوری متوالی»، و «حضور تمام‌وقت مادر در خلنه» رانه تنها ایده‌آل بلکه وظیفه دینی و ملی زنان معرفی می‌کند (رستگار، ۱۳۹۹)

بر اساس ماده ۱۲ کنوانسیون CEDAW و همچنین سند ICPD کنفرانس قاهره ۱۹۹۴، زنان باید در تصمیم‌گیری‌های مربوط به باروری و سلامت جنسی آزاد، آگاه و توانمند باشند. اما در گفتمان مسلط جمعیتی ایران،

فرزندآوری به وظیفه‌ای شرعی، نه یک انتخاب شخصی تبدیل شده است؛ موضوعی که مصداق آشکار نادیده‌گیری حق زنان بر بدن خویش است. (UN Women, 2021)

۱,۳ تقویت الگوی زن خانه‌نشین: بازتولید کلیشه‌های جنسیتی

یکی از محورهای گفتمان جمعیتی جدید، ترویج الگوی زن خانه‌دار و چندفرزندی است. در سیاست‌های اجرایی دولت در اجرای قانون جمعیت، مشوق‌های متعددی مانند وام ازدواج، تخفیف مالیاتی، تسهیلات مسکن، و اولویت استخدامی برای مادران طراحی شده که عملاً زنان را به خانه‌نشینی سوق می‌دهد (بهادری و همکاران، ۱۴۰۰).

علاوه‌براین، در رسانه‌های رسمی، زنان شاغل اغلب با چالش‌های اخلاقی یا عاطفی در تقابل با مادری تصویر می‌شوند، در حالی که زنان خانه‌دار چندفرزندی به‌عنوان الگوی مطلوب جامعه اسلامی معرفی می‌شوند (علوی، ۱۳۹۸). این نوع بازنمایی، دوگانه‌ای ناسالم بین «زن شاغل = خودخواه و ضدمادرانه» و «زن خانه‌دار = فداکار و اخلاق‌مدار» می‌سازد که هم در رسانه و هم در سیاست رسمی تکرار می‌شود.

۱,۴ تأثیرات این گفتمان بر شکل‌گیری سیاست‌های ساختاری

تحلیل سیاست‌های فرزندآوری نشان می‌دهد که این گفتمان فراتر از سطح زبانی، در لایه‌های ساختاری نیز ریشه دوانده است.

برای مثال: در نظام استخدام دولتی: امتیازات خاصی برای مادران دارای فرزند یا زنان متأهل چندفرزندی پیش‌بینی شده، که به‌صورت ضمنی، زنان مجرد یا بدون فرزند را از رقابت حرفه‌ای کنار می‌زند (قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، ۱۴۰۰).

در نظام آموزش و فرهنگ عمومی: در کتاب‌های درسی، تبلیغات شهری، و برنامه‌های فرهنگی، «مادری» به‌مثابه تحقق کامل زن بودن تبلیغ می‌شود، و «فرزندآوری» به‌عنوان ارزش متعالی اخلاقی و دینی تجلیل می‌گردد (مطالعات فرهنگی صداوسیما، ۱۴۰۱).

در حوزه سلامت باروری: دسترسی به روش‌های کنترل بارداری محدودتر شده و در برخی استان‌ها، سیاست‌های کاهش خدمات تنظیم خانواده اجرا

شده که خود منجر به بازگشت به مدل‌های ناامن تولیدمثلی در میان زنان کم‌درآمد شده است (Aghajanian & Mehryar, 2009)

۱.۵ جمع‌بندی: گفتمان جمعیتی، بازسازی زن سنتی در پوشش امنیت ملی

در مجموع، گفتمان سیاست‌های فرزندآوری در ایران نوعی بازگشت به الگوی زن سنتی را در قالب وظیفه ملی و مذهبی، و در سایه تهدیدات امنیتی جمعیتی صورت‌بندی می‌کند. تحلیل گفتمان این سیاست‌ها نشان می‌دهد که:

هویت زنانه به نقش مادری تقلیل یافته؛

آزادی انتخاب فرزندآوری حذف یا حاشیه‌نشین شده؛

عدالت جنسیتی نادیده گرفته شده و کلیشه‌های پیشامدرن بازتولید شده‌اند؛

و در نهایت، بدن زن در خدمت اهداف جمعیتی و سیاسی نظام قرار گرفته است

این روند، برخلاف جهت حرکت بسیاری از سیاست‌های جهانی عدالت‌محور در حوزه جمعیت است، و چالش‌های بنیادینی برای حقوق، سبک زندگی، و استقلال زنان ایرانی پدید آورده است.

بخش دوم: تأثیر سیاست‌های فرزندآوری بر سبک زندگی، انتخاب‌های فردی و موقعیت اجتماعی زنان ایرانی

۲.۱ تغییر سبک زندگی زنان در سایه سیاست‌های جمعیتی

سیاست‌های جدید جمعیتی در ایران، به‌ویژه پس از ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۳) و تصویب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت (۱۴۰۰)، تأثیرات گسترده‌ای بر سبک زندگی زنان گذاشته‌اند. این سیاست‌ها با تشویق و گاه اجبار به افزایش فرزندآوری، زنان را به سمت پذیرش نقش مادری تمام‌وقت سوق داده‌اند و در بسیاری موارد، زمینه‌های مشارکت اجتماعی، تحصیلی و شغلی آنان را محدود کرده‌اند (نوربخش، ۱۴۰۱؛ باقری، ۱۴۰۲).

مطالعات میدانی نشان می‌دهد که بسیاری از زنان به‌ویژه در طبقات متوسط و پایین جامعه، به دلیل فشارهای اجتماعی و اقتصادی مرتبط با سیاست‌های

جمعیتی، ترجیح می‌دهند مسئولیت اصلی نگهداری از کودکان را خود بر عهده گیرند؛ حتی اگر این انتخاب منجر به ترک شغل، کاهش تحصیلات، یا محدودیت در فعالیت‌های اجتماعی شود (کاظمی و همکاران، ۱۴۰۰).

۲.۲ محدودیت‌های انتخاب فردی و فشارهای روانی

یکی از مهم‌ترین پیامدهای اجرای سیاست‌های فرزندآوری، محدود شدن آزادی زنان در تصمیم‌گیری درباره تعداد فرزندان و زمان‌بندی آن است. فشارهای فرهنگی و قانونی، باعث شده که زنانی که تمایل به فرزند کمتر یا دیرتر دارند، با قضاوت‌های منفی، فشارهای خانوادگی، و گاه موانع حقوقی مواجه شوند (رحمانی، ۱۳۹۹).

این فشارها، علاوه بر کاهش حس رضایت فردی، منجر به بروز استرس، اضطراب، و احساس ناتوانی در کنترل زندگی شده است. مطالعات روان‌شناختی در ایران حاکی از افزایش سطح افسردگی و اضطراب در میان زنانی است که احساس می‌کنند تحت فشار «فرزندآوری اجباری» قرار دارند (موسوی و همکاران، ۱۴۰۱).

۲.۳ تأثیر بر تحصیلات و اشتغال زنان

با تشدید سیاست‌های جمعیتی و تبلیغ مادری چندفرزندی، نرخ بازگشت زنان به تحصیلات عالی و بازار کار کاهش یافته است. داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که زنان پس از ازدواج و فرزندآوری، تمایل کمتری به ادامه تحصیل و اشتغال دارند که یکی از دلایل آن «عدم حمایت کافی از مادران شاغل» و «برنامه‌های تشویقی برای خانه‌داری» است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲).

این امر باعث می‌شود که زنان با کاهش استقلال مالی و اجتماعی مواجه شوند و در نتیجه، قدرت چانه‌زنی آنان در خانواده و جامعه کاهش یابد (جهانگیری، ۱۴۰۰).

۲.۴ تغییر نگرش‌های نسلی نسبت به فرزندآوری

نسل جوان زنان ایرانی به ویژه در مناطق شهری، نگرشی متفاوت نسبت به فرزندآوری دارد. بر اساس پژوهش‌های کیفی و پیمایشی، این نسل ترجیح می‌دهد تعداد فرزندان کمتری داشته باشد و فرصت‌های فردی و حرفه‌ای خود را حفظ کند (صادقی، ۱۳۹۹).

این اختلاف نگرش‌ها با گفتمان رسمی دولت در تعارض است و منجر به ایجاد تعارضات خانوادگی و اجتماعی می‌شود. همچنین، نسل جوان بیشتر به مفاهیمی مانند «خودمختاری»، «برابری جنسیتی»، و «حقوق تولیدمثلی» اهمیت می‌دهد که در سیاست‌های رسمی مورد توجه قرار نگرفته‌اند. (UNDP Iran, 2021)

۲.۵ پیامدهای اجتماعی و فرهنگی

سیاست‌های جمعیتی همچنین باعث تغییر در ساختار خانواده و روابط اجتماعی شده‌اند. فشار به افزایش فرزندآوری، در برخی خانواده‌ها منجر به مشکلات اقتصادی و کاهش کیفیت زندگی شده است. همچنین، نابرابری در تقسیم کار خانگی و مسئولیت‌های فرزندپروری بین زن و مرد تشدید شده است، به گونه‌ای که زنان بخش عمده‌ای از این بار را به دوش می‌کشند (حمیدی، ۱۴۰۰)

از سوی دیگر، تأکید بر مادری به عنوان نقش محوری زن، موجب تضعیف نقش‌های اجتماعی و سیاسی زنان در عرصه عمومی شده و مانع مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های کلان اجتماعی و اقتصادی گردیده است (نیکزاد، ۱۴۰۱)

۲.۶ جمع‌بندی

در کل، سیاست‌های جمعیتی جدید در ایران تأثیرات عمیقی بر سبک زندگی و حقوق زنان داشته‌اند. این سیاست‌ها، با تمرکز بر مادری و فرزندآوری، محدودیت‌هایی در انتخاب‌های فردی زنان ایجاد کرده و زمینه‌های کاهش مشارکت اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی آنان را فراهم کرده‌اند. این شرایط باعث بروز تعارض بین نسل‌های مختلف زنان و گفتمان رسمی شده و چالش‌های جدی در حوزه عدالت جنسیتی و حقوق زنان پدید آورده است.

بخش سوم: بررسی تطبیقی سیاست‌های فرزندآوری و تأثیرات آن بر زنان در ایران و کشورهای منتخب

۳،۱ مقدمه

سیاست‌های فرزندآوری در سطح جهان به‌عنوان ابزاری برای مدیریت رشد جمعیت، با رویکردها و نتایج متفاوتی به اجرا درآمده‌اند. در این بخش، به بررسی تطبیقی سیاست‌های فرزندآوری در ایران، ژاپن، فرانسه، و کره جنوبی پرداخته می‌شود. این کشورها نمونه‌هایی از مواجهه با چالش‌های جمعیتی

متفاوت هستند که از سیاست‌های تشویقی تا محدودکننده متغیرند و تأثیرات متنوعی بر زنان داشته‌اند. تحلیل این تجارب به درک بهتر نقاط قوت و ضعف سیاست‌های ایران کمک می‌کند

۳,۲ ژاپن: سیاست‌های جمعیتی و چالش‌های زنان در جامعه

سالمند

ژاپن با یکی از پایین‌ترین نرخ‌های باروری در جهان مواجه است (در حدود ۱.۳ فرزند به ازای هر زن؛ OECD, 2022)

برای مقابله با بحران جمعیتی و سالمندی، دولت ژاپن سیاست‌هایی مانند افزایش حمایت مالی از خانواده‌ها، ایجاد تسهیلات نگهداری کودک، و اصلاح قوانین مرخصی والدین اجرا کرده است. (MHLW Japan, 2020)

اما مهم‌ترین چالش، کاهش مشارکت زنان در بازار کار به دلیل فشارهای تربیتی و فرهنگی است. زنان ژاپنی اغلب مجبور به انتخاب بین شغل و مادر بودن می‌شوند و عدم حمایت کافی در محل کار، ترک زودهنگام بازار کار را موجب می‌شود. (Tsuya et al., 2015)

سیاست‌ها علی‌رغم حمایت‌های مالی، نتوانسته‌اند کاملاً مانع از بروز کلیشه‌های جنسیتی و مسئولیت نامتقارن زنان در خانه شوند. (Kumagai, 2018)

۳,۳ فرانسه: الگوی سیاست‌های تشویقی و تعادل جنسیتی

فرانسه یکی از کشورهایی است که توانسته با سیاست‌های گسترده و جامع فرزندآوری، نرخ باروری را به حدود ۱.۹ فرزند برساند. (INSEE, 2022)

این موفقیت تا حد زیادی ناشی از سیاست‌های حمایتی چندجانبه است که شامل مرخصی‌های والدین با پرداخت حقوق، خدمات مراقبت روزانه گسترده، و سیاست‌های انعطاف‌پذیر کاری برای مادران می‌شود (OECD Family Database, 2021).

فرانسه همچنین بر برابری جنسیتی در محل کار تأکید دارد و قوانین حمایتی متعددی برای جلوگیری از تبعیض و حمایت از مادران شاغل وضع کرده است (Lewis & Giullari, 2005). این سیاست‌ها امکان تعادل بهتر بین مسئولیت‌های خانوادگی و شغلی زنان را فراهم آورده و مانع از انزوای اجتماعی

و اقتصادی آنان می‌شود. به علاوه، نقش مردان در نگهداری از کودکان با سیاست‌های مرخصی پدرانه و تشویق فرهنگی افزایش یافته است (Orloff, 2006).

۳،۴ کره جنوبی: سیاست‌های تشویقی با محدودیت‌های فرهنگی

کره جنوبی یکی از پایین‌ترین نرخ‌های باروری را در جهان دارد (۱.۱ فرزند به ازای هر زن؛ Statistics Korea, 2023).

دولت کره سیاست‌هایی مانند پرداخت کمک‌هزینه فرزند، مرخصی والدین، و افزایش امکانات مراقبت کودک ارائه کرده است (KOSIS, 2021).

با این حال، فرهنگ کاری سختگیرانه و کلیشه‌های جنسیتی شدید، به خصوص انتظارات سستی از زنان برای انجام تمام مسئولیت‌های خانوادگی، مانع اصلی موفقیت این سیاست‌هاست (Chung & Kim, 2020). زنان کره‌ای اغلب به خاطر نگهداری از فرزندان، مجبور به ترک کار یا کاهش ساعات کاری می‌شوند که منجر به کاهش استقلال اقتصادی آنان شده است (Kang, 2017). این تضاد بین سیاست‌های تشویقی و واقعیت فرهنگی، اثرگذاری برنامه‌ها را محدود کرده است.

۳،۵ ایران: سیاست‌های جمعیتی در چارچوب امنیت ملی و دینی

ایران نیز به دلیل کاهش نرخ باروری در دهه‌های گذشته، سیاست‌های تشویقی برای افزایش فرزندآوری تدوین کرده است که در چارچوب امنیت ملی و ارزش‌های دینی شکل گرفته‌اند (سیاست‌های کلی جمعیت، ۱۳۹۳؛ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، ۱۴۰۰).

برخلاف کشورهای غربی، سیاست‌های ایران تمرکز قوی بر نقش مادری و افزایش تعداد فرزندان دارد و به حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی کمتر پرداخته شده است (باقری، ۱۴۰۲). همچنین، محدودیت‌هایی در دسترسی به خدمات تنظیم خانواده و نبود حمایت‌های مؤثر از زنان شاغل، از موانع اصلی در تحقق اهداف این سیاست‌هاست (نوربخش، ۱۴۰۱).

۳،۶ جدول (۱) مقایسه و تحلیل تطبیقی

نام کشور جنبه ها	ژاپن	فرانسه	کره جنوبی	ایران
نرخ باروری	پایین (۱.۳)	نسبتا بالا (۱.۹)	پایین (۱.۱)	کاهش یافته (۱.۷)
رویکرد سیاستی	تشویقی با تمرکز بر خدمات	جامع و چند جانبه با تاکید بر تعادل جنسیتی	تشویقی با محدودیت های فرهنگی	تشویقی با تاکید بر کلیشه های مادری و امنیت ملی
حمایت از مادران شاغل	نسبتا کم	قوی و قانونمند	متوسط	محدود و ناکافی
مرخصی والدین	وجود دارد اما کم	گسترده و با حقوق کامل	وجود دارد ولی استفاده ضعیف	محدود
نقش مردان در نگهداری	محدود	تقویت شده	محدود	بسیار کم
تاثیرات فرهنگی	کلیشه های قوی جنسیتی	فرهنگ مساوات محور	کلیشه های قوی جنسیتی	کلیشه های سنتی و مذهبی

۳.۷ بررسی نحوه تطبیق رویکرد ایرانی با سیاست های جهانی

ضرورت تقویت حمایت های ساختاری: تجربه فرانسه نشان می دهد که حمایت های گسترده اقتصادی، مراقبتی و قانونی از زنان شاغل و خانواده ها، زمینه ساز افزایش پایدار باروری است (Lewis & Giullari, 2005).

ترویج برابری جنسیتی: کشورهای موفق، بر نقش فعال مردان در فرزندپروری و مشارکت در کارهای خانه تأکید دارند؛ امری که در سیاست های ایران کمتر دیده می شود. (Orloff, 2006).

تغییر فرهنگ و کلیشه ها: حمایت های مالی و حقوقی بدون تغییر در نگرش های فرهنگی و جنسیتی، اثربخش نخواهد بود. ژاپن و کره جنوبی نمونه بارزی از این

مسئله‌اند که علی‌رغم سیاست‌های مالی، کلیشه‌ها مانع موفقیت کامل شده‌اند
(Chung & Kim, 2020)

ایجاد آزادی انتخاب و حق تصمیم‌گیری: تجربه‌های بین‌المللی نشان داده است که احترام به حق زنان در تصمیم‌گیری تولیدمثلی و کنترل بدن، منجر به سلامت روانی و رضایت بیشتر زنان و در نتیجه افزایش مشارکت آنان در جامعه می‌شود (UN Women, 2021).

۳.۸ جمع‌بندی بخش

بررسی تطبیقی سیاست‌های فرزندآوری نشان می‌دهد که موفقیت سیاست‌های جمعیتی در کشورهای مختلف، مستلزم ترکیبی از حمایت‌های اقتصادی، تغییرات فرهنگی، و ترویج عدالت جنسیتی است. ایران در مسیر تدوین و اجرای سیاست‌های خود، می‌تواند با بهره‌گیری از این تجارب، سیاست‌هایی جامع‌تر، عادلانه‌تر و مؤثرتر تدوین کند که حقوق و سبک زندگی زنان را نیز به‌طور متوازن در نظر گیرد.

۳.۹ حال سوالی که در این میان مطرح می‌شود این است که؛ آیا مسئله افزایش نرخ جمعیت اساساً موضوعی فرهنگی است یا اقتصادی؟ در پاسخ به این پرسش لازم است پیشینه ای اندک را مورد بررسی و بازبینی قرار دهیم.

۳.۹.۱ مقدمه

بحث افزایش یا کاهش نرخ باروری در جهان همواره در دو بستر اصلی فرهنگی و اقتصادی تحلیل شده است. بسیاری از محققان و سیاست‌گذاران معتقدند که نرخ باروری نه تنها تابع عوامل اقتصادی است، بلکه به شدت با ساختارهای فرهنگی و اجتماعی نیز مرتبط است. (Lutz et al., 2019)

در این بخش، با تحلیل این دو دیدگاه، به درک عمیق‌تری از چالش‌های سیاست‌های جمعیتی در ایران و جهان خواهیم رسید

۳.۹.۲ دیدگاه اقتصادی

در دیدگاه اقتصادی، نرخ باروری عمدتاً تحت تأثیر وضعیت اقتصادی خانوار، هزینه‌های فرزندآوری، فرصت‌های شغلی زنان و رفاه اجتماعی است

(Becker, 1981) از این منظر، کاهش باروری به دلایل زیر قابل توجیه

است :

- هزینه بالای نگهداری فرزند: هزینه های آموزش، بهداشت، مراقبت و تامین مالی فرزندان افزایش یافته است که خانواده ها را به داشتن فرزند کمتر ترغیب می کند. (OECD, 2022)
 - مشارکت زنان در بازار کار: افزایش سطح تحصیلات و اشتغال زنان، هزینه فرصت فرزندآوری را بالا برده و تمایل به فرزند کمتر را افزایش داده است. (McDonald, 2000).
 - رفاه اجتماعی و سیاست های حمایتی: نبود یا ضعف سیاست های حمایتی خانواده مانند مرخصی های با حقوق، خدمات مراقبت کودک و حمایت های مالی، کاهش نرخ باروری را تشدید کرده است. (Esping-Andersen, 1999).
- در این چارچوب، راهکارهای افزایش نرخ باروری بهبود شرایط اقتصادی خانواده ها، افزایش حمایت های مالی و فراهم آوردن زیرساخت های رفاهی است.

۳.۹.۳ دیدگاه فرهنگی

دیدگاه فرهنگی تأکید می کند که باورها، ارزش ها، نقش های جنسیتی و هنجارهای اجتماعی، تعیین کننده اصلی رفتارهای فرزندآوری هستند (Inglehart & Norris, 2003). برخی از مهم ترین عوامل فرهنگی

عبارت اند از:

- نقش های سنتی جنسیتی: در جوامعی که نقش مادری برای زنان محوریت دارد، نرخ باروری بالاتر است؛ اما با تغییر این نقش ها، کاهش باروری رخ می دهد. (Thomson et al., 2012).
- ارزش گذاری به خانواده و فرزند: در برخی فرهنگ ها، فرزندآوری به عنوان شاخص موفقیت و عزت خانوادگی مطرح است که می تواند نرخ باروری را بالا نگه دارد. (Axinn & Barber, 2001).
- مذهب و آموزه های دینی: تأثیر آموزه های دینی در تحکیم خانواده و تشویق فرزندآوری غیرقابل انکار است؛ برخی مطالعات نشان داده اند که در جوامع مذهبی تر، نرخ باروری نسبتاً بالاتر است. (Bongaarts, 2010).

از منظر فرهنگی، سیاست‌های افزایش باروری باید با توجه به تغییرات اجتماعی و ارزش‌های نوین سازگار شود و فضای انتخاب آزاد و احترام به حقوق زنان در تصمیم‌گیری تولیدمثلی را فراهم آورد.

۳.۹.۴ تعامل فرهنگ و اقتصاد: یک چارچوب تحلیلی

بیشتر پژوهشگران معاصر معتقدند که این دو دیدگاه نه متضاد بلکه مکمل یکدیگرند. نرخ باروری تحت تأثیر هم‌زمان عوامل اقتصادی و فرهنگی است و عدم توجه به هر یک می‌تواند سیاست‌ها را ناکارآمد کند (Lutz et al., 2019).

برای مثال کشورهای اسکاندیناوی: این کشورها که دارای رفاه اقتصادی بالا و سیاست‌های گسترده حمایتی‌لند، اما فرهنگ برابری جنسیتی و فرصت‌های برابر را ترویج می‌کنند، نرخ باروری نسبتاً پایدار دارند (McDonald, 2006).

و یا در مثال کشورهای در حال توسعه: در برخی جوامع، حتی با وجود فقر اقتصادی، فرهنگ فرزندآوری پررنگ‌تر است و نرخ باروری بالاتر است (Cleland & Wilson, 1987).

ایران: کاهش نرخ باروری در ایران در کنار تغییرات اقتصادی (تورم، اشتغال زنان) و تغییرات فرهنگی (تغییر نقش زنان، نگرش به خانواده) رخ داده است. لذا سیاست‌های جمعیتی باید به هر دو بعد توجه کنند (سروش، ۱۳۹۸؛ باقری، ۱۴۰۲)

۳.۹.۵ پیامدها برای سیاست‌گذاری در ایران

- ✓ ضرورت طراحی سیاست‌های ترکیبی که ضمن بهبود حمایت‌های اقتصادی و رفاهی، تغییرات فرهنگی و نگرشی را نیز هدف قرار دهد.
- ✓ اهمیت آموزش و فرهنگ‌سازی برای ارتقای آگاهی درباره حقوق تولیدمثلی، نقش مساوی جنسیتی و انتخاب آزاد
- ✓ پرهیز از سیاست‌های صرفاً تحمیلی یا اقتصادی که ممکن است منجر به مقاومت فرهنگی و کاهش رضایت زنان شود

۳،۹،۶ نتیجه‌گیری

موضوع افزایش نرخ جمعیت، نه صرفاً یک معضل اقتصادی و نه تنها یک مسئله فرهنگی است، بلکه تلفیقی پیچیده از هر دو بعد است. سیاست‌های مؤثر باید

ضمن شناخت عمیق ساختارهای فرهنگی و اقتصادی جامعه، فضایی را فراهم کنند که زنان بتوانند با آگاهی و آزادی کامل درباره فرزندآوری تصمیم بگیرند.

۳.۱۰ تحلیل رویکرد کشورهای دارای سیاست‌های افزایش نرخ جمعیت: تاکید بر راهبردهای اقتصادی یا فرهنگی؟

۳.۱۰.۱ مقدمه

کاهش نرخ باروری در دهه‌های اخیر، به ویژه در کشورهای توسعه یافته و برخی کشورهای در حال توسعه، چالشی بزرگ برای سیاست‌گذاران جمعیتی ایجاد کرده است. در پاسخ به این چالش، بسیاری از کشورها سیاست‌هایی را برای افزایش نرخ باروری تدوین و اجرا کرده‌اند. این سیاست‌ها معمولاً دو نوع رویکرد کلی دارند: راهبردهای اقتصادی (مبتنی بر حمایت مالی و رفاهی) و راهبردهای فرهنگی (مبتنی بر ارزش‌ها، هنجارها و نقش‌های اجتماعی). در این بخش، به بررسی و تحلیل این رویکردها در کشورهای مختلف می‌پردازیم

۳.۱۰.۲ رویکرد اقتصادی: محوریت حمایت‌های مالی و رفاهی

اکثر کشورهای توسعه یافته و برخی کشورهای در حال توسعه که نرخ باروری پایین دارند، در سیاست‌های افزایش جمعیت خود تأکید عمده‌ای بر راهبردهای اقتصادی دارند. این کشورها باور دارند که موانع اقتصادی، یکی از عوامل اصلی کاهش باروری است و با کاهش این موانع، نرخ فرزندآوری افزایش خواهد یافت (OECD, 2021)

- کشورهای اسکاندیناوی (سوئد، نروژ، دانمارک): با ارائه بسته‌های حمایتی گسترده شامل مرخصی‌های والدین با حقوق، خدمات مراقبت روزانه رایگان یا ارزان‌قیمت، و یارانه‌های مالی مستقیم، تلاش کرده‌اند تعادل میان کار و خانواده را تسهیل کنند (Gauthier & Hatzius, 1997).
- فرانسه: سیاست‌های رفاهی گسترده‌ای برای تشویق خانواده‌ها به داشتن فرزند بیشتر دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به پرداخت یارانه‌های مالی، تسهیلات مراقبت از کودک و مرخصی‌های طولانی والدینی اشاره کرد (Brewster & Rindfuss, 2000).

○ **کانادا و استرالیا:** این کشورها نیز به حمایت اقتصادی خانواده‌ها از طریق سیاست‌های مالیاتی، کمک هزینه‌های کودک و تسهیلات کاری انعطاف‌پذیر تاکید دارند. (McDonald, 2013)

در این کشورها، سیاست‌های اقتصادی به عنوان ابزار اصلی افزایش باروری دیده می‌شود و بر کاهش هزینه‌ها و افزایش رفاه خانواده‌ها تمرکز دارد

۳.۱۰.۳ **رویکرد فرهنگی:** تاکید بر ارزش‌ها و نقش‌های اجتماعی در برخی کشورها، به ویژه آن‌هایی که با تغییرات سریع اجتماعی مواجه هستند یا دارای ساختارهای اجتماعی و مذهبی مستحکم‌تر هستند، سیاست‌های جمعیتی بیشتر بر محور فرهنگ و هنجارهای اجتماعی بنا شده است.

○ **ژاپن و کره جنوبی:** هرچند این کشورها برخی سیاست‌های رفاهی دارند، اما چالش اصلی آن‌ها تغییر نگرش‌ها نسبت به نقش زنان، خانواده و فرزندآوری است. تلاش‌هایی برای بازگشت به ارزش‌های سنتی خانواده و افزایش نقش مادری زنان صورت می‌گیرد، اما به دلیل تغییر سبک زندگی مدرن، این سیاست‌ها محدودیت‌هایی دارد (Choe, 2012).

○ **ایران:** سیاست‌های جمعیتی ایران ترکیبی از رویکرد فرهنگی و اقتصادی است، اما تأکید بسیاری بر فرهنگ دینی و نقش خانواده سنتی دارد. برنامه‌های ترویجی بر پایه ارزش‌های مذهبی و فرهنگی تدوین شده‌اند و به بازسازی نقش زنان به عنوان مادر و همسر توجه ویژه‌ای شده است (باقری، ۱۴۰۲).

○ **برخی کشورهای اروپای شرقی:** کشورهایی مانند لهستان و مجارستان با سیاست‌های ملی‌گرایانه و فرهنگی، ترویج خانواده‌های سنتی و نقش‌های جنسیتی مشخص را در اولویت قرار داده‌اند (Kreyenfeld, 2015).

در این کشورها، راهبردهای فرهنگی بیش از حمایت‌های اقتصادی محوریت دارند و تلاش می‌شود از طریق آموزش، رسانه و سیاست‌های اجتماعی، نگرش جامعه به خانواده و فرزندآوری تغییر کند

تمرکز عمده کشورهای توسعه یافته بر راهبردهای اقتصادی است. علت این امر پیچیدگی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی این کشورها و پذیرش نقش زنان در بازار کار است. این کشورها معتقدند با کاهش موانع اقتصادی و افزایش حمایت‌های رفاهی می‌توان نرخ باروری را بهبود داد.

کشورهای دارای سنت‌های فرهنگی و مذهبی قوی‌تر، راهبردهای فرهنگی را برجسته می‌کنند. این کشورها با تأکید بر نقش خانواده و ارزش‌های سنتی، تلاش دارند فرزندآوری را به مثابه یک وظیفه اجتماعی و دینی پررنگ کنند.

بسیاری از کشورها، به خصوص در حال توسعه، رویکردی ترکیبی اتخاذ کرده‌اند. این کشورها برای تأثیرگذاری بیشتر سیاست‌ها، هر دو بعد اقتصادی و فرهنگی را در نظر می‌گیرند. ایران نمونه‌ای بارز از این ترکیب است که تلاش می‌کند حمایت اقتصادی به همراه تأکید بر فرهنگ دینی و سنتی را پیش ببرد.

۳.۱۰.۵ نتیجه‌گیری

در مجموع، می‌توان گفت که؛

راهبرد اقتصادی غالب در سیاست‌های جمعیتی کشورهای پیشرفته و بسیاری از کشورهای در حال توسعه است. و از طرفی راهبرد فرهنگی در کشورهایی با ساختارهای اجتماعی-مذهبی قوی‌تر بیشتر به چشم می‌خورد. اثربخشی سیاست‌های افزایش نرخ باروری نیازمند تلفیق هوشمندانه هر دو رویکرد است تا ضمن کاهش موانع اقتصادی، زمینه تغییر نگرش‌ها و تقویت ارزش‌های مثبت فرهنگی فراهم شود.

۳.۱۱ تحلیل تطبیقی دقیق سیاست‌های افزایش نرخ جمعیت در کشورهای

منتخب جهان

۳.۱۱.۱ مقدمه

کاهش نرخ باروری در دهه‌های اخیر چالشی بزرگ برای کشورهای مختلف، به ویژه کشورهای توسعه‌یافته و برخی کشورهای در حال توسعه، بوده است. برای مقابله با این روند، کشورهای مختلف سیاست‌هایی با تأکید بر راهبردهای اقتصادی، فرهنگی یا تلفیقی تدوین کرده‌اند. زنان به عنوان محور اصلی فرزندآوری، مورد هدف مستقیم این سیاست‌ها قرار دارند و امتیازات و

حمایت‌های خاصی برای آنان در نظر گرفته شده است. در این بخش، تحلیل تطبیقی این سیاست‌ها در چند کشور منتخب با ذکر منابع معتبر ارائه می‌شود

➤ سوئد: پیشرو در سیاست‌های رفاهی و جنسیتی

- رویکرد: اقتصادی-رفاهی با تاکید بر برابری جنسیتی
- سیاست‌ها: مرخصی والدین با حقوق تا ۴۸۰ روز که میان مادر و پدر تقسیم می‌شود (Moss, 2015).
- ارائه خدمات مراقبت روزانه رایگان یا با هزینه اندک (Duvander & Andersson, 2017)
- تسهیلات کاری انعطاف‌پذیر و حمایت از بازگشت زنان به بازار کار. (Ekberg et al., 2013)

امتیازات برای زنان :

۱. امکان استفاده از مرخصی طولانی با حفظ درآمد
۲. تسهیلات مراقبت کودک در دسترس و ارزان
۳. قوانین ضد تبعیض قوی در محیط کار (OECD Family Database, 2022)
۴. نتیجه: نرخ باروری در سوئد نسبت به سایر کشورهای اروپایی بالاتر و پایدارتر است و مشارکت زنان در بازار کار نیز بسیار بالاست. (Hoem & Hoem, 2017)

➤ فرانسه: ترکیب سیاست‌های مالی و حمایت‌های خدماتی

- رویکرد: اقتصادی-رفاهی سیاست‌ها: پرداخت یارانه نقدی برای هر فرزند (Brewster & Rindfuss, 2000).
- خدمات مراقبت از کودک با هزینه پایین، حتی رایگان برای خانواده‌های کم‌درآمد. (Letablier, 2012)
- مزایای مالیاتی ویژه خانواده‌های پرجمعیت (Kohler et al., 2002).

امتیازات برای زنان :

۱. مرخصی زایمان و والدین با حقوق کامل یا نسبی .
۲. حمایت از اشتغال زنان از طریق سیاست‌های تسهیل بازگشت به کار (Joshi & Schultz, 2007).

۳. نتیجه: فرانسه یکی از بالاترین نرخ های باروری در اروپاست که به سیاست های گسترده حمایت از خانواده نسبت داده می شود. (Eurostat, 2021).

➤ ژاپن: چالش میان سنت و مدرنیته رویکرد:

- فرهنگی-اقتصادی ترکیبی با تاکید بیشتر بر ارزش های سنتی سیاست ها
- تبلیغات گسترده برای ترویج خانواده سنتی (Tsuya et al., 2005).
- خدمات رفاهی محدود و مرخصی ولدین کوتاه (Matsui, 2012)
- فشار اجتماعی برای ایفای نقش های جنسیتی سنتی (Yamaguchi, 2014)

امتیازات برای زنان:

۱. مرخصی زایمان وجود دارد اما مرخصی والدین پس از آن کوتاه و بدون پرداخت کامل است
۲. فشار بر زنان برای ترک کار پس از ازدواج یا فرزندآوری (Brinton, 2011).
۳. نتیجه: نرخ باروری پایین (حدود ۱.۳) و چالش های جدی در زمینه تلفیق نقش های خانوادگی و شغلی زنان (Raymo & Iwasawa, 2005).

➤ ایران: تاکید فرهنگی-دینی با حمایت های اقتصادی محدود

- رویکرد: فرهنگی-دینی با حمایت اقتصادی محدود
- سیاست ها: ترویج نقش مادر و خانواده از طریق تبلیغات فرهنگی و دینی (باقری، ۱۴۰۲).
- تشویق های مالی جزئی و نامنظم (سازمان ثبت احوال ایران، ۱۴۰۱)
- محدودیت ها و نوسانات در سیاست های جمعیتی طی دو دهه اخیر (Ahmadi & Ghazi, 2019)

امتیازات برای زنان :

۱. حمایت حقوقی محدود، اغلب بیشتر نقش‌های سنتی را ترویج می‌کند
۲. بسته‌های مالی کم‌اثر و با کارایی پایین (Naghavi et al., 2018)
۳. نتیجه: کاهش شدید نرخ باروری (از حدود ۷ در دهه ۷۰ به کمتر از ۲ در دهه ۱۴۰۰) و چالش‌های جدی در تغییر نگرش‌های اجتماعی و اقتصادی زنان (Abbasi-Shavazi et al., 2015)

➤ لهستان: سیاست‌های ملی‌گرایانه و فرهنگی

- رویکرد: فرهنگی-ملی‌گرایانه سیاست‌ها
- محدودیت در دسترسی به روش‌های پیشگیری از بارداری (Szelewa & Polakowski, 2017).
- تبلیغات فرهنگی و تشویق خانواده‌های سنتی (Kryńska, 2016).

امتیازات برای زنان :

۱. تشویق به فرزندآوری از طریق حمایت‌های معنوی و فرهنگی،
۲. حمایت مالی محدود (Golinowska et al., 2020).
۳. نتیجه: فشار اجتماعی و فرهنگی بر زنان برای افزایش فرزندآوری، اما نرخ باروری همچنان پایین‌تر از حد جایگزینی است. (Eurostat, 2020)

➤ کانادا: سیاست‌های رفاهی پیشرفته و حمایت از تعادل کار و خانواده

- رویکرد: اقتصادی-رفاهی سیاست‌ها: مرخصی والدین با حقوق تا ۱۲ ماه (Statistics Canada, 2020).
- تسهیلات مراقبت کودک و حمایت‌های مالی برای خانواده‌ها (Friendly et al., 2013).

امتیازات برای زنان :

۱. حق مرخصی با حقوق و حفظ موقعیت شغلی.
۲. حمایت از اشتغال زنان و تسهیلات کار از راه دور (Phipps & Burton, 2010).

۳. نتیجه: نرخ باروری حدود ۱.۵، سیاست‌هایی که به زنان امکان می‌دهد بین خانواده و کار تعادل برقرار کنند..

➤ کره جنوبی: سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی با چالش‌های جدی

- رویکرد: فرهنگی-اقتصادی
- سیاست‌ها: تبلیغات گسترده برای ترویج خانواده سنتی
(Korean Ministry of Health and Welfare, 2018)
- حمایت‌های مالی نسبتاً محدود و مرخصی والدین کوتاه
(Lee & Park, 2019)

امتیازات برای زنان :

۱. فشار برای ایفای نقش‌های سنتی مادری و همسری
۲. تسهیلات کاری محدود و مرخصی والدین کوتاه.
(Yoon, 2015)
۳. نتیجه: نرخ باروری یکی از پایین‌ترین‌های جهان
(کمتر از ۱.۱) با فشارهای اقتصادی و اجتماعی
شدید بر زنان (OECD, 2020)
- ۴.

جدول (۲) بررسی تطبیقی

کشور	رویکرد غالب	حمایت های اقتصادی	تاکید فرهنگی	امتیاز برای زنان	نتایج نرخ باروری و مشارکت زنان
سوئد	اقتصادی رفاهی	بسیار گسترده	کمتر	بسیار بالا	باروری پایدار و مشارکت بالا
فرانسه	اقتصادی رفاهی	گسترده	متوسط	بالا	باروری بالا در میان کشورهای اروپایی
ژاپن	فرهنگی اقتصادی	محدود	زیاد	کم	باروری پایین و چالش های اجتماعی
ایران	فرهنگی دینی	محدود	زیاد	محدود	کاهش شدید باروری
لهستان	فرهنگی ملی گرایانه	محدود	زیاد	کم	باروری پایین و فشار اجتماعی
کانادا	اقتصادی رفاهی	گسترده	کمتر	بالا	باروری متوسط ، تعادل کار - خانواده
کره جنوبی	فرهنگی اقتصادی	محدود	زیاد	کم	پایین ترین نرخ باروری

کاهش نرخ باروری و روند پیر شدن جمعیت در دهه‌های اخیر به یکی از نگرانی‌های عمده کشورها، به‌ویژه در جوامع صنعتی و در حال گذار تبدیل شده است. مقاله حاضر با تمرکز بر تحلیل انتقادی سیاست‌های فرزندآوری در ایران، به بررسی تطبیقی تجارب جهانی و رویکردهای سیاستی کشورهای مختلف در مواجهه با این بحران پرداخته است.

یافته‌های تطبیقی حاکی از آن است که سیاست‌های افزایش جمعیت در سطح جهانی را نمی‌توان صرفاً در یک قالب فرهنگی یا اقتصادی تحلیل کرد؛ بلکه کشورها معمولاً از یک طیف متنوع راهبردهای تلفیقی بهره می‌برند که میزان موفقیت آن‌ها تابعی از سطح انسجام این سیاست‌ها، پایداری حمایت‌های مالی، مشارکت فعال نهادهای مدنی و کیفیت حکمرانی است.

به‌طور خاص، کشورهایی همچون سوئد و فرانسه که با استفاده از سیاست‌های رفاهی گسترده، خدمات مراقبت از کودک، مرخصی‌های بلندمدت با حقوق و تقویت برابری جنسیتی اقدام کرده‌اند، موفق‌تر از کشورهایی بوده‌اند که صرفاً بر تبلیغات فرهنگی یا تشویق‌های نمادین تمرکز داشته‌اند. این کشورها توانسته‌اند با ایجاد شرایط مساعد برای زنان در تلفیق نقش مادری و شغلی، مشارکت آنان را در فرآیند فرزندآوری تقویت کنند.

در مقابل، کشورهای نظیر ژاپن، کره جنوبی و ایران که عمدتاً از سیاست‌های فرهنگی با حمایت‌های اقتصادی محدود بهره می‌برند، با کاهش شلید نرخ باروری و عدم استقبال جامعه از سیاست‌های فرزندآوری مواجه هستند. در این کشورها، فشارهای اجتماعی، نبود زیرساخت‌های حمایتی و استمرار نقش‌های سنتی برای زنان، به مانع اصلی در تحقق اهداف جمعیتی بدل شده‌اند.

ایران نیز، با وجود چرخش گفتمانی نسبت به سیاست‌های کنترل جمعیت و تصویب برنامه‌هایی چون "قانون جوانی جمعیت و حمایت از خانواده"، هنوز با چالش‌های بنیادینی در سطح اجرایی، مالی، زیرساختی و فرهنگی مواجه است. عدم انسجام میان نهادهای سیاست‌گذار، غلبه نگاه ایدئولوژیک بر کارشناسی، نبود رویکرد جنسیت‌محور و نادیده گرفتن مسائل معیشتی و رفاهی زنان، از جمله مهم‌ترین موانع تحقق اهداف جمعیتی در ایران به شمار می‌روند.

بر اساس تجارب جهانی، می‌توان نتیجه گرفت که؛

- ۱) راهبردهای اقتصادی و رفاهی پایدار و قابل اجرا مهم‌ترین ابزار در جهت تشویق به فرزندآوری هستند؛
- ۲) تقویت جایگاه زنان در سیاست‌گذاری‌های جمعیتی از طریق ارائه امتیازات واقعی و ملموس، نقش کلیدی در موفقیت سیاست‌ها دارد؛
- ۳) تغییرات فرهنگی زمانی موثر خواهند بود که با بسته‌های اقتصادی، اجتماعی و حقوقی هم‌راستا شده و با سیاست‌های عملیاتی هم‌افزایی داشته باشند؛
- ۴) نگاه صرفاً جمعیت‌محور بدون توجه به کیفیت زندگی، عدالت جنسیتی، و آزادی انتخاب زنان نه تنها موجب افزایش نرخ باروری نمی‌شود، بلکه می‌تواند به مقاومت اجتماعی و تشدید بحران اعتماد نسبت به سیاست‌گذار منجر شود .

در نهایت، مسیر سیاست‌گذاری موفق در حوزه جمعیت، نه از مسیر تحمیل فرهنگی و دستورهای بالا به پایین، بلکه از طریق پاسخگویی دقیق به نیازهای واقعی زنان و خانواده‌ها، ارائه حمایت‌های بلندمدت و تضمین‌شده، و بازتعریف نقش‌های جنسیتی در ساختارهای مدرن اجتماعی می‌گذرد.

✓ منابع فارسی:

۱. اسگری، فاطمه، و صادقی، رضا. (۱۴۰۱). عدالت جنسیتی و سیاست‌های تشویقی فرزندآوری: تحلیلی انتقادی. فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، ۱۶(۱)، ۶۵-۸۹.
۲. کریمان، ناهید، و سیمبر، منصوره. (۱۴۰۰). اثربخشی سیاست‌های جمعیتی ایران: مطالعه‌ای کیفی. فصلنامه طب تولید مثل ایران، ۱۹(۳)، ۲۲۱-۲۳۰.
۳. یوسفی، فاطمه، و عباسی شوازی، محمدجلال. (۱۳۹۹). مرور نظام‌مند عوامل مؤثر بر قصد باروری زنان ایرانی. مجله جمعیت ایران، ۲۸(۲)، ۳۷-۵۸.

✓ منابع انگلیسی:

4. Abrahamson, P. (2010). The welfare state in Europe: Challenges and reforms. Palgrave Macmillan.
5. Aghajanian, A., & Mehryar, A. H. (2009). Fertility transition in the Islamic Republic of Iran: 1976–2006. *Asian Population Studies*, 5(1), 19–38.
6. Andersson, G., & Duvander, A. Z. (2021). Policies promoting parental leave for fathers: A review. *International Journal of Sociology and Social Policy*, 41(5/6), 525–543.
7. Beaujouan, É., & Sobotka, T. (2019). Late childbearing continues to increase in Europe. *Population & Societies*, 562, 1–4.
8. Bloom, D. E., Canning, D., & Sevilla, J. (2003). The demographic dividend: A new perspective on the economic consequences of population change. RAND Corporation.
9. Dejaridin, A. K. (2021). Gender equality and demographic resilience: Addressing low fertility in the context of gender inequality. UN DESA Working Paper.
10. Hakim, C. (2003). Public morality versus personal choice: The failure of social attitude surveys. *British Journal of Sociology*, 54(3), 339–345.

11. McDonald, P. (2006). Low fertility and the state: The efficacy of policy. *Population and Development Review*, 32(3), 485–510.
12. Moghadam, V. M. (2004). Patriarchy in transition: Women and the changing family in the Middle East. *Journal of Comparative Family Studies*, 35(2), 137–162.
13. OECD. (2023). Family database. Organisation for Economic Co-operation and Development. Retrieved from
14. Roudi, F. (2011). Iran's family planning program: Responding to a nation's needs. Population Reference Bureau.
15. Tanturri, M. L., & Mencarini, L. (2008). Childless or childfree? Paths to voluntary childlessness in Italy. *Population and Development Review*, 34(1), 51–77.
16. UNFPA. (2023). World population dashboard. United Nations Population Fund.